

تاریخ نگاری ادبیات آذربایجانی و مشکلات مربوط به آن
جنبش های ادبی آذربایجان در دوره ی شوروی

اکبر سعادت

ایمیل:

akbarsaadat1992@yahoo.com

چکیده:

این مقاله ضمن بحث و بررسی ادبیات آذربایجان در میان آذربایجانیان شمال ارس به نقش اولیه و برجسته چمن زمینی و فریدون بئی کوچرلی اشاره می کند. در ادامه مقاله به اوضاع ادبی آذربایجان تحت حاکمیت بلشویکها اشاراتی کرده و تغییرات پس از مرگ باقیروف را بیان می کند. آثار حسین جاوید، مجله فیوضات و جعفر جبارلی اشاره کرده و به پیشرفت سریع ادبیات آذربایجان پس از استقلال نیز تاکید می نماید.

وابستگی:

محقق ادبیات و فولکلور آذربایجان

کلمات کلیدی: آذربایجان، ادبیات، تاریخ نگاری

استناد (آپا):

سعادت، ا. تاریخ نگاری ادبیات آذربایجانی و مشکلات مربوط به آن، جنبش های ادبی آذربایجان در دوره ی شوروی. ارومیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" - جلد ۰۱، شماره ۰۴، تابستان ۱۴۰۳. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

Akbar Saadat

Email:

akbarsaadat1992@yahoo.com

Affiliation:

Researcher of Azerbaijani
literature

Historiography of Azerbaijani Literature and Related Problems

Literary Movements of Azerbaijan in the Soviet Era

Abstract:

This article, while discussing and examining Azerbaijani literature among the Azerbaijanis of North Ars, points to the early and prominent role of Yusif Vezir Chamanzaminli and Fereydon Bei Kocherli. In the rest of the article, he refers to the literary situation of Azerbaijan under the rule of the Bolsheviks and describes the changes after Bakhirov's death. He mentions the works of Hossein Javed, Fayuzat magazine and Jafar Jabarli and emphasizes the rapid development of Azerbaijani literature after independence.

Key words: Azerbaijan, literature, historiography

CITATION (APA):

Saadat, A. Historiography of Azerbaijani Literature and Related Problems, Literary Movements of Azerbaijan in the Soviet Era. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 01, number 04, Summer 2024, ISSN: 3041-8690.

Əkbər Səadət

E-poçt:

akbarsaadat1992@yahoo.com

Mənsubiyyət:

Azərbaycan ədəbiyyatçısı

Azərbaycan ədəbiyyatı tarixi və bununla bağlı problemlər

Sovet dövründə Azərbaycan ədəbi cərəyanları

Xülasə:

Bu məqalə Arazın şimalında yaşayan azərbaycanlılar arasında Azərbaycan ədəbiyyatını müzakirə və tədqiq edir, Yusif Vəzir Cəmənzəminlinin, Firidun bəy Kəçərlinin erkən və görkəmli roluna işarə edir. Məqalənin davamında o, bolşeviklərin hakimiyyəti altında olan Azərbaycanın ədəbi vəziyyətindən bəhs edir və Bağirovun ölümündən sonra baş verən dəyişiklikləri təsvir edir. Müəllif Hüseyn Cavidin, "Füyuzat" jurnalının, Cəfər Cabarlıının yaradıcılığını xatırladır və müstəqillik əldə etdikdən sonra Azərbaycan ədəbiyyatının sürətli inkişafını vurğulayır.

Açar sözlər: Azərbaycan, ədəbiyyat, tarixilik

CITATION (APA):

Səadət, Ə. Azərbaycan ədəbiyyatı tarixi və bununla bağlı problemlər, Sovet dövründə Azərbaycan ədəbi cərəyanları. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 01, nömrə 04, Yay 2024, ISSN: 3041-8690.

Azerbaycan Edebiyatının Tarihiliği ve Buna Bağlı Sorunlar

Sovyet Döneminde Azerbaycan'ın Edebi Akımları

Ekber Seadet

E-posta:

akbarsaadat1992@yahoo.com

Üyelik:

Azerbaycan edebiyatı
araştırmacısı

Özet:

Bu makale, Kuzey Azerileri arasında Azerbaycan edebiyatını tartışıp incelerken, Yusuf Vezir Çemenzeminli'nin ve Firidun Bey Koçerli'nin ilk ve önemli rolüne işaret ediyor. Yazının devamında Bolşevik yönetimindeki Azerbaycan'ın edebi durumuna değiniliyor ve Bağirov'un ölümünden sonra yaşanan değişimler anlatılıyor. Hüseyin Cavit, Füyuzat dergisi ve Cafer Cabarlı'nın eserlerine değinerek Azerbaycan edebiyatının bağımsızlıktan sonra hızlı gelişimine vurgu yapıyor.

Anahtar kelimeler: Azerbaycan, edebiyat, tarih yazarlığı

CITATION (APA):

Seadet. E. Azerbaycan Edebiyatının Tarihiliği ve Buna Bağlı Sorunlar, Sovyet Döneminde Azerbaycan'ın Edebi Akımları. Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 01, sayı 04, Yaz 2024, ISSN: 3041-8690.

پیش درآمد:

در طول حکومت شوروی، تمام انواع مخالفت، بدون استثنا محکوم به شکست و نابودی نهایی بود. با وجود این، علی رغم روسی سازی، خشن و اجباری و نبود هر نوع مخالفت سازمان یافته گروهی و کامل، آذربایجانی ها موفق شدند که یک بینش جداگانه فرهنگی-سیاسی و تاریخی را برای خود حفظ کرده و استمرار ببخشند. آذربایجانی ها ملتی هستند که پیوسته موفق شده اند مفهوم ویژه خود از ملی گرایی را (برحسب ایدئولوژی وهویت) در سده های گوناگون تسلط اجنبی ها بسازند. فقدان دولت مستقل و عدم خودگردانی، اغلب در تضاد کامل با رشد و توسعه حس ملی گرایی در آذربایجان بوده است. استیلای سیاسی معمولاً موجب ایجاد مقاومت آشکار یا پنهانی می شود و نیز اینکه این مقاومت هم از طریق فرهنگ و ادبیات شکل می پذیرد و هم به عنوان واکنش، به این دو شکل می دهد. استیلای شوروی هم موجب ایجاد مقاومت در آذربایجانی ها و هم منجر به شکل دهی به ادبیات آذربایجانی شد. این تعامل بین استیلا، مقاومت و تغییرات فرهنگی به مرور زمان بر ادبیات ملی تاثیر گذاشت و منجر به خلق روش های ویژه تبیین خود شد.

نگارش تاریخ ادبی آذربایجان توسط آذربایجانی های شمال ارس از اواخر سده ی نوزدهم شروع شد. این اقدام تا آن زمان بی سابقه بود. از این رو در عمل معلوم شد که نخستین کوشش ها در این باره دشوار خواهد بود. با وجود این نخستین آثار پیشگامان این حوزه، در بنیانگذاری مبنای تاریخ ادبی و نقد ادبی در آذربایجان موثر و سودمند بود. از این دیدگاه سهم نخستین دانشوران در این زمینه معمولاً مهم تر از دیگران تلقی می شود. با وجود این، هیچ یک از کتاب های موجود به نحوی شایسته مراحل گوناگون و پیچیده ی ادبیات آذربایجانی را تبیین نکرده است. از این رو پرسشی که مطرح می شود این است که خوب! آذربایجانی ها در زمان های گذشته چگونه تاریخ ادبیات خود را ارائه می کردند؟

به استثنای کتاب مشهوری از فولکلور شناس آذربایجانی به نام "یوسف وزیر چمن زمینی" با عنوان "نظری به ادبیات آذربایجان" استانبول ۱۹۲۱ در اینکه نگارش تاریخ ادبی آذربایجان با آثار منتقد برجسته آذربایجانی "فریدون بئی) بیگ) کوچرلی" (۱۸۶۳-۱۹۲۰) آغاز شد، اتفاق نظر وجود دارد. کوچرلی اولین کتاب خود در این باره را سال ۱۹۳۰ در تفلیس با الفبای روسی منتشر کرد. با وجود این مهم ترین اثر راهگشای او در این زمینه کتاب چهار جلدی وی به نام منابع تاریخ ادبیات آذربایجان (باکو ۱۹۲۶-۱۹۲۵) است. این کتاب تقریباً شش سال پس از اعدام نویسنده آن توسط حزب بلشویک ارامنه در ۱۹۲۰ منتشر شد.

کوچرلی در این کتاب چهار جلدی ادبیات آذربایجان را برحسب مناطق جغرافیایی ارائه و معرفی و نقد و تفسیر می کند. او این کار را با ادبیات مناطق بومی یعنی مکان هایی آغاز می کند که ادبیات به طور سنتی در آن جا رشد یافته و شکوفا

شده است. یعنی گنجه، شیروان، شماخی، قره باغ، شوشا، قوبا، ایروان، و در بند. و سپس به ارائه اطلاعاتی درباره زندگی نامه و آثار شخصیت های ادبی سه منطقه دیگر یعنی شکی، اردوباد و قازاخ نیز می پردازد.

ادبیات نوشتاری آذربایجان به زبان فارسی در سده دوازدهم شروع شد. از این رو کتاب کوچرلی با اشعار شاعر معروف آذربایجانی سده دوازده یعنی افضل الدین خاقانی اهل شیروان آغاز می شود و با اشعار اسماعیل بئی (بیگ) ناکام اهل شکی خاتمه می پذیرد. کوچرلی در تاریخ چهار جلدی خود آثار نزدیک به ۱۱۰ شاعر آذربایجانی را معرفی و نقد می کند. باوجود این معتقد است در زبان آذری معاصر ادبیات واقعی آذربایجانی با اشعار ملا پناه واقف (۱۷۹۷-۱۷۱۷) آغاز شده است.

کوچرلی در تالیف کتاب خود از منابع مهم موجود شرقی درباره ادبیات از قبیل تذکره ها و جنگ های پرتطرفدار و مورد علاقه ی مردم استفاده کرده است. با وجود این بخش اعظم اطلاعات ارائه شده توسط او، نتیجه کوشش های مجدانه ی خود او در یافتن نشانه هایی از نویسندگان آذربایجانی از طریق مکاتبه با دوستان، همکاران و شاگردان، مدرسان سابق و اخلاف شخصیت های ادبی مشهور گذشته است. به علاوه مشهور است که کوچرلی برای گردآوری اطلاعات از منازل اشخاص، آرشیوهای قانونی مساجد محلی و اداره های اوقاف، بارها به شهرهای مختلف مسافرت کرده بود. بزرگترین سهم و کمک فریدون بئی کوچرلی برای نخستین بار در تاریخ نگاری ادبیات آذربایجانی، تلاش های پیگیر او در گردآوری و تالیف نمونه های ادبیات آذربایجانی در یک مجموعه کامل بود. بدین ترتیب او موفق شد شماری از آثار ادبی آذربایجانی را از صدمه دیدن و یا گم شدن نجات دهد.

متأسفانه بخش قابل توجهی از کتاب او حدود یک سوم آن، در آشوب های سیاسی پس از استیلای بلشویک ها در ۱۹۲۰ گم شد. بخش گم شده شامل قسمتهایی بود که به زندگینامه خصوصی و آثار معاصران خود نویسنده یعنی برجسته ترین نویسندگان آذربایجانی از قبیل جلیل محمد قلی زاده (۱۹۳۲-۱۸۶۶)، میرزا علی اکبر صابر (۱۹۱۱-۱۸۶۲)، محمد هادی (۱۹۲۰-۱۸۷۹)، عباس صحت (۱۹۱۸-۱۸۷۴) و عبدالله شایق (۱۹۵۹-۱۸۸۱) می پرداخت. گفتنی است علی رغم کوشش های فراوان دانشوران آذربایجانی، بخش های گم شده کتاب مورد بحث هرگز پیدا نشدند.

فاجعه دوگانه استیلای بلشویک ها و اعدام فریدون بئی کوچرلی در ۱۹۲۰ نگارش تاریخ ادبی آذربایجان را در سرتاسر دهه ۱۹۲۰ متوقف کرد.

با وجود این، اواخر دهه ۱۹۲۰ چند تن از دانشوران ترکیه، انتشار آثار خود در این زمینه را آغاز کردند که مبتنی بر یافته های پیشین توسط خود آذربایجانی ها بود. از بین این آثار، کتاب فواد کوپرولوزاده پژوهشی در باب ادبیات آذری (باکو ۱۹۲۶) و همچنین اثر اسماعیل حکمت تاریخ ادبیات آذربایجان (باکو ۱۹۲۸) را می توان نام برد. کتاب حکمت شامل اطلاعاتی درباره نویسندگان آذربایجانی پیش از سده ی هیجدهم است. نخستین فصل کتاب به نام قومی جریان (گرایش های قومی) نمونه هایی از اشعار آذربایجانی مشهور به بایاتی و ماهنی و همچنین برخی داستان های اساطیری را ارائه می دهد. با وجود این، تاکید

اصلی کتاب بر شاعران کمتر شناخته شده آذری سده چهاردهم یعنی قاضی برهان الدین حبیبی و کشوری و همچنین شاعران مشهور سده شانزدهم یعنی شاه اسماعیل صفوی و فضولی است. افراد نامبرده پیشگامان شعر در زبان آذربایجانی بودند.

یکی دیگر از کتاب های مهم اولیه درباره تاریخ ادبی آذربایجان کتاب محمدعلی تربیت دانشور ایرانی-آذربایجانی به نام دانشمندان آذربایجان است که در ۱۹۳۵م به زبان فارسی در تهران منتشر شده است. این کتاب براساس تحقیقات دست اول و تجزیه و نقد و بررسی آثار شخصیت های ادبی هم از آذربایجان جنوب ارس و هم از آذربایجان شمال ارس است. این کتاب ارزشمند هنوز هم در این زمینه در هر دو آذربایجان جزو منابع موثق به شمار می آید.

در نتیجه پاکسازی های استالینی در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و به دلیل فضای سیاسی به وجود آمده در آذربایجان، تاریخ نگاری های اولیه دهه ۱۹۲۰ درباره ادبیات آذربایجانی ممنوع شد. دانشوران و دانشجویان آذربایجانی تا ۱۹۵۷ یعنی تا مرگ میر جعفر باقروف دبیر اول خودکامه ی کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان از بررسی و کندوکاو این تاریخ نگاری های اولیه منع شدند.

در تصفیه و پاک سازی های ۱۹۳۷-۱۹۳۸ تعداد زیادی از شخصیت های ادبی آذربایجانی زندانی و یا اعدام شدند. شکنجه و آزار این شخصیت های ادبی تاثیر منفی قابل توجه و ناگواری بر بررسی های ادبیات آذربایجانی و نقد ادبی وارد کرد. گرچه این رویدادهای غم انگیز مانع از سرگیری پژوهش های عالمانه درباره تاریخ ادبی آذربایجان نشد.

بلافاصله پس از پاکسازی های مورد اشاره، در طول جنگ جهانی دوم، کتابی دوجلدی به نام تاریخ ادبیات آذربایجان در ۱۹۴۳-۱۹۴۴ منتشر شد. این کتاب جنبه های مثبت و منفی زیادی داشت. یکی از نکات مثبت این کتاب این بود که در نوع خود به منزله ی اولین تجربه در رشته ی ادبیات به شمار می آمد. کتاب مذکور که مدت زمان نسبتا اندکی را در برمیگرفت اطلاعات مختصر اولیه ای را درباره بررسی تاریخ ملی حقایق و شخصیت های مهم، نتیجه گری ها و تعمیم های علمی و نظری ارائه می داد. این کتاب برای نخستین بار، از طریق تلفیق دوران پیش شوروی و دوره شوروی، موفق به ایجاد حس تداوم در ادبیات آذربایجانی شد و توانست خلا بین مراحل مختلف آذربایجانی را پر کند. موضوع کتاب تنها تاکید بر حقایق و شخصیت های تاریخی نبود؛ بلکه فرآیندهای ادبی و تاریخی هم در کانون توجه آن قرار می گرفت و این مهم از طریق بررسی پیوند بین ادبیات و موضع تاریخی آن، منازعات زیباشناختی و چالش ها و گرایش های جاری صورت گرفته بود.

از جمله کاستی های این کتاب این بود که مقرر شده بود صرفا اصول نظریه ادبی غالب دوره شوروی یعنی رئالیسم را برای تعبیر و تفسیر تاریخ ادبی آذربایجان مورد استفاده قرار دهد. اصول مکتب ادبی رئالیسم تا آن زمان به طور دقیق و کامل درباره ادبیات و تاریخ ادبی از این دیدگاه، پژوهشگران را با مشکلات جدی مواجه کرد. با این همه برای تاکید بر گرایش های توسعه و همچنین انواع ادبی رایج هر دوره تاریخی هیئت تحریریه تصمیم گرفت ادبیات را برحسب دو مقوله کلی طبقه بندی کند:

۱- رئالیسم آموزشی یا معاریفچی رئالیست

۲- رمانیسم

از این دیدگاه رئالیسم تلویحا گرایش نزدیک تری به ایدئولوژی کمونیستی بود و رمانتیسم نشانگر گرایش منفی مترادف با ناسیونالیسم یا ملی گرایی بورژوازی تلقی می شد.

گرایش های ادبی موجود اوایل سده بیست در آذربایجان که روس ها عمدتا آن را رمانتیسم می نامیدند با بی تفاوتی کامل در این کتاب ارائه شده بود. رمانتیسم همچنین با نشریه ترک گرای فیوضات یکسان تلقی می شد و البته خود این نشریه نیز به نوبه خود به طریق زیر تعریف شده بود:

نشریه ای که انتشار آن نوامبر ۱۹۰۶م آغاز و سپتامبر ۱۹۰۷ پایان یافت و متشکل از ۳۲ شماره بود. این نشریه همانند یک ترک عثمانی زندگی و به سان یک مسلمان فوت کرد.

استفاده از چنین زبان تحقیر آمیزی، درک درست از ادبیات ملی را مشکل می کرد. علاوه بر این؛ کتاب موفق به ارائه تجزیه و تحلیل دقیقی از رمانتیسم و نمایندگان آن از قبیل محمد هادی و عباس صحت نشده بود. مهم تر از همه اینکه کتاب حتی آثار برجسته ترین نویسندگان رمانتیک سده بیستم یعنی حسین جاوید (۱۹۴۱-۱۸۸۲) را نیز دربر نمی گرفت. در عوض بر محدودیت های رمانتیسم تاکید میکرد؛ به ویژه بر سبک های فردی و روش های شخصی نویسندگان که به این جنبش ادبی ویژگی های منحصر به فردی بخشیده بود. در مجموعه اصطلاحات متدوال در شوروی، چون عباراتی از قبیل فردگرایی، تفکر خلاقانه و به ویژه ملی-گرایی جزو تابوها یا محرمات به شمار می آمدند، جنبش ادبی رمانتیسم نیز به دلیل داشتن رابطه با این جنبش ها مورد تردید قرار گرفته و بی اعتبار شده بود. بالاخره کاستی دیگر این کتاب این بود که به ندرت به جریان های ادبی ۱۹۲۰-۱۹۱۷ یعنی دوران کوتاه استقلال آذربایجان پیش از استیلای بلشویک ها می پرداخت.

دوران پس از جنگ جهانی دوم عصر واکنش ها و تاملات درباره رویدادهای وحشتناک جنگی بود که تمام بشریت را آزرده کرده بود. این دوره، دوران تلاش های خلاقانه برای یافتن راه حل هایی برای ابزار، بیان و اظهار ادبی بود. اگر در این دوره قرار بر توصیف ادبیات آذربایجانی و در واقع دوره شوروی به طور کلی بوده باشد، این مهم بایستی به صورت جست و جو برای یافتن راه ها و امکانات و ابزار اظهار وجود فردی صورت گیرد. این کنکاش خلاقانه برای مقامات شوروی نگران کننده بود. از این رو پس از جنگ جهانی دوم با نقد غیر منصفانه ادبیات آذری در اوت ۱۹۴۸، حزب کمونیست آذربایجان مجبور شد قانونی در باب وضع ادبیات آذربایجانی در دوره شوروی و راه ها و امکانات بهبود آن تصویب کند. این قانون موضعی سخت، سرد، آمرانه و مداخله گرایانه نسبت به جریانات ادبی اتخاذ کرد. این مصوبه تحت فشار حکومت مرکزی تصریح می کرد که به دلیل نفوذ افراد کم مایه و سطحی نگر، نویسندگان از مسیر همگانی زندگی معاصر (یعنی رئالیسم) و مسائل ضروری و به مراتب مهم تر و

اضطراری تر (یعنی راهبرد سیاسی شوروی) منحرف شده اند. مخلص کلام این قانون با ایجاد تنگناهایی مانع از ارزیابی عینی آن دسته از آثار ادبی شد که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمده بودند. مصححان و منتقدان ادبی که در مقررات ۱۹۴۶-۱۹۴۸ کمیته مرکزی سردرگم شده بودند؛ به سختی می کوشیدند که ادبیات را در محدوده رهنمون های جدید ارزیابی کنند.

کوشش های آذربایجانی ها برای خلق تاریخ ادبیات خود در دهه های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ منجر به کسب پیشرفت های جدیدی شد. از قضا در همین زمان رئالیسم در ادبیات تبدیل به جنبش فوق العاده مهمی شد. نویسندگان آذربایجانی استفاده از این نظریه ایدئولوژیکی را با گرایشی نو در آثار خود آغاز کردند. از این رو این نظریه تبدیل به ابزار سودمندی برای آشکار کردن واقعیت شوروی در تقابل با واقعیت نامریی در ادبیاتی با ساختار دوبعدی شد.

پس از مرگ دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان؛ باقروف، و پس از بیستمین کنگره ی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۱۹۵۷ کتابی سه جلدی با عنوان؛ تاریخ ادبیات آذربایجان (باکو ۱۹۵۷) منتشر شد. این کتاب برداشتی بهتر از دوره استقلال آذربایجان (۱۹۲۰-۱۹۱۸) ارائه می داد و تعبیر و تفسیری ملایم تر، جامع تر و عمیق تر از اشعار شعرای مهم رمانتیک این دوره از قبیل حسین جاوید و محمد هادی ارائه می کرد. درمقابل با زبان و سبک و کندوکاوهای عقلانی آن ها کاری نداشت. با وجود این، کتاب مورد بحث، نقش مهم ترین حزب سیاسی این دوره یعنی مساوات را از قلم انداخته بود. علاوه بر این در این کتاب سه جلدی ارزیابی و نوشته های نویسندگان انتقالی این دوره (۱۹۲۰-۱۹۱۷) همچون جعفر جبارلی بر مبنای اصول سیاسی و نه ادبی مشخص و تعیین شده بود:

متأسفانه نویسنده جوان جعفر جبارلی مسیر متناقضی را از سر گذرانند. از یک سو تحت تاثیر ملی گرایی بورژوازی نمایش نامه های رمانتیکی مثل فتح ادرنه و جنگ طرابلس را می نویسد که در آن ها به فتوحات عثمانی ها استناد می کند. از سوی دیگر نمایش نامه های رئالیستی چون: گل های پژمرده؛ نصرالدین شاه و روشن را خلق می کند که در آن ها مضامین و موضوعات بلشویکی را مطرح می کند.

در اظهار نظر درباره جعفر جبارلی ممکن است این پرسش مطرح شود که منظور از این مسیر متناقض دقیقاً چیست؟ چرا خلق آثار رمانتیک از یک سو و آثار رئالیستی از سوی دیگر مسیر متناقض تلقی شود؟ کتاب سه جلدی مورد بحث پاسخی برای اینگونه پرسش ها ارائه نمی دهد. در عوض در این کتاب در بحث درباره نویسندگان دوره انتقالی به طور کلی و به ویژه آثار اولیه شخصیت های ادبی که بعدها به نسل دهه ۱۹۶۰ مشهور شدند عباراتی از قبیل بدقبال و سنوال برانگیز به کار برده می شود. به علاوه این کتاب برخی از برجسته ترین آثار ملی گرایی اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ را نیز شامل نمی شود. ناقص ترین و ضعیف ترین بخش کتاب جلد سوم آن است که به ادبیات آذربایجانی دوره ی پس از جنگ جهانی دوم می پردازد. از شعرای این دوره صمد وورغون یکی از برجسته ترین شعرا و روشنفکران آذربایجانی است که آثار او در نتیجه سو تعبیر و تفسیر به شدت

لطمه می بیند. این بدان معناست که حق مطلب هرگز درباره بیشترین ابعاد نبوغ خلاقانه این نویسنده یعنی اشعار بسیار پیچیده و چند بعدی او و همچنین فلسفه ی اومانستی یا بشر دوستانه او بیان نمی شود.

دهه ۱۹۶۰ نقطه عطفی هم در سیاست های شوروی و هم در ملی گرایی در آذربایجان تلقی می شود. موضوعات برجسته ایدئولوژیکی دهه ۱۹۶۰ یعنی جنبش های آزادی بخش آفریقایی-آسیایی و مبارزه ی اتحاد شوروی برای غنیمت شمردن و پیش بردن چنین آرمان هایی در سطح بین المللی- متضمن نتایج غیر قابل پیش بینی بود. رقابت شوروی علیه امپریالیسم غربی، غیر روس ها را نیز برانگیخت که به امپریالیسم شوروی نیز بیانیدیشند. این نکته به ویژه در مورد ملیت های شرقی شوروی صحت داشت.

مهم ترین مشکل تحلیل گران ادبی تحت حکومت شوروی، پیدا کردن ردپای رشد تکاملی در ادبیات آذربایجانی بود. در کلیه کتاب های تاریخ ادبیات، رشد و توسعه؛ از اولویت ویژه ای برخوردار بود. منظور از رشد، بررسی رابطه بین ادبیات و زندگی و استفاده از دیدگاه ادبی فرهنگی تجویزی بود. درواقع تصویر کلی رشد و شکوفایی ادبی تنها در محدوده ۳ مقوله اصلی ترسیم شد: مدرنیسم یا نوگرایی، تاریخ گرایی و شخصیت پردازی مثبت. این اصول با بررسی ادبیات عجین شده بود؛ ولی از منظر روش های ادب، صورت های ادبی، سبک ها و گرایش ها و از دیدگاه صرفا زیبا شناختی و هنری، تجزیه و تحلیل های صورت گرفته، ناقص بودند. حتی در اواخر دوره شوروی، بحث درباره ویژگی های ادبیات تورکی و غنای سبک غیر ممکن بود، چه رسد به جنبه های ملی گرایانه ی آن. مضافا اینکه پرداختن به این ادبیات از دیدگاه ادبیات جهانی یعنی اذعان به ویژگی های مشخص و جهانی آن، که البته آن هم غیر قابل تصور بود. از این رو بررسی منصفانه رشد و شکوفایی ادبیات آذربایجانی مدت ها به تاخیر افتاد. کتاب های درسی موجود، تا کنون ادبیات آذربایجانی را به صورت مجزا و جدا از رویدادها و جنبش های اتفاق افتاده در جهان توصیف و تجزیه و تحلیل کرده اند. این رویکرد مانع از درک کامل ادبیات آذربایجانی به ویژه از دیدگاه جامع تری شده است. به علاوه چنین رویکردی ایجاد نوعی رابطه معنادار بین این ادبیات و کاربرد انسانی و جهانی آن را غیر ممکن می سازد. این موضوع امروزه آذربایجانی های معاصر را با مشکل بزرگی مواجه کرده است؛ آنان سردرگم مانده اند که جایگاه ادبیات آن ها در ادبیات جهانی کجاست؟

مهم تر از همه ی این ها تاریخ ادبیات بررسی جنبش های ادبی فرآیند رشد و کمال آن، توسعه و تعالی سبک، رابطه بین زندگی و ادبیات و ملاک های تعیین و تشخیص گرایش های ادبی است. این فرآیند مستلزم پژوهش های جدی علمی است و طبقه بندی ادبیات در بافت واقعی ادواری آن را می طلبد. یکی از کاستی های دوران پیش از شوروی و همچنین دوره شوروی این بود که به این موضوع ها توجه کافی نمی شد. تحت حکومت شوروی معمولا تاریخ مردمان شوروی ناخودآگاه در مورد ادبیات

نیز به کار برده می شد. به عبارت دیگر ادبیات با تاریخ حزب کمونیست انطباق داده می شد. چنین رویکرد غیر علمی مانع از بررسی رشد واقعی ادبیات و رابطه بین زندگی مردم و خلاقیت ادبی می شد.

خلاصه اینکه هر نوع اثر چاپی درباره تاریخ ادبی آذربایجان محصول زمان و محیط و تابع مقررات اجتماعی سیاسی حاکم عصر خود بوده است. برای آذربایجانی ها، انتشار تاریخ ادبیاتشان فجایع متعددی از خفقان روحی و فشارهای جسمی را آشکار می کند. بسیاری از کتاب ها و مقالاتی که قرار بود میراث فرهنگی آنان را تبیین کند، شدیداً آلوده به ترفندها و ملاک های ایدئولوژیکی سیاسی اجتماعی و همچنین مبالغه های افراط آمیز شده اند. تعداد قابل توجهی از نویسندگان با استعداد و جسور آذربایجانی بی اعتبار شده و برچسب دشمن مردم خوردند. و جلوی انتشار و اشاعه آثار آن ها گرفته شد. این زیاده روی ها مانع تفکر علمی درباره موضوع اصلی یعنی هنرمندی استادانه این نویسندگان شده است. ادبیات آذربایجانی اهمیت خود را مدیون تلاش های خلاقانه این هنرمندان برای یافتن ابزار اظهار نظر و ابراز وجود و تبیین خود می داند.

سال هاست که دانشوران آکادمی علوم و سایر موسسات آموزشی در آذربایجان کوشیده اند که این گرایش ها را تغییر دهند. امروز آن ها تنها موفق شده اند راز و رمز و اسراری را که خلاقیت های ادبی آذربایجانی را احاطه کرده است کشف کنند و شرح دهند. در دوران پس از شوروی یعنی از ۱۹۹۳-۱۹۹۰ بسیاری از روزنامه ها و نشریات آذربایجانی به ویژه نشریه هفتگی ادبیات و هنرهای زیبا کوشش گسترده ای را برای بازبینی مجدد آثار ادبی گذشته آغاز کرده اند. این تلاش ها بخاطر جنگ با ارمنستان نیمه کاره ماند. با وجود این در دو سال گذشته دانشوران تعداد اندکی کتاب و جزوه سودمند نوشته اند که بررسی و تجزیه و تحلیل واقعی و منصفانه ای از آثار ادبی جداگانه را ارائه می دهد. از بین این آثار می توان کتاب های پروفیسور باغیر (باقر) نبی اف به نام اسرار نامیرایی (باکو، صاباح ۱۹۹۴) و شاعر بیقرار (باکو، صاباح ۱۹۹۵) نام برد.

در حال حاضر یک پروژه بزرگ پژوهشی با تاکید بر ادبیات آذربایجانی و نظارت آکادمی علوم آذربایجان در حال انجام است. سه جلد اول این کتاب پر حجم در آینده نزدیک منتشر خواهد شد. یکی از اهداف اصلی این پروژه نشان دادن تفکر ملی است. در مفهومی کلی تر؛ هدف دانشوران آذربایجانی نشان دادن رابطه ادبی آذربایجان با آثار مشهور کلاسیک ادبی ترکی است.

منابع:

آدمیت، فریدون (۱۳۵۶)، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی
ادوارد براون (۱۳۵۱)، نامه هایی از تبریز، ترجمه ی حسین جواد، تهران: خوارزمی
مبتنی بر مصاحبه ی چندین پژوهشگر با رئیس آکادمی علوم آذربایجان، ائلدار سالایوف رئیس گروه آموزشی ادبیات دانشگاه باکو، یاشار قاریوف؛ و رئیس گروه آموزشی زبان ها و ادبیات آکادمی علوم آذربایجان، باقر نبی اف.